

بررسی یک فرآیند صرفی-واجی در فارسی محاوره‌ای*

علی پیرحیاتی (کارشناس ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی)

تاریخ دریافت مقاله: فروردین 1387 تاریخ پذیرش مقاله: مهر 1387

چکیده

در فارسی محاوره‌ای، چنانچه پس از کلمات چندهجایی مختوم به واکه پیشین نیم‌افراشته [e]، برخی واژه‌بست‌ها شامل واژه‌بست [-ro] و «پی‌بست‌های ضمیری» به کار روند، این واکه پایانی به واکه پیشین افتاده [a] تبدیل می‌شود. در این مقاله سعی داریم به توصیف و تبیین صرفی و واجی این فرآیند بپردازیم.

واژه‌های کلیدی: فرآیند صرفی-واجی، پی‌بست‌های ضمیری، واژه‌بست [-ro]، فارسی محاوره‌ای.

* از دکتر گلناز مدرسی قوامی که مرا در تهیه این مقاله یاری دادند، سپاسگزارم.

1. مقدمه

کاربرد برخی واژه‌بست‌ها پس از کلمات چندهجایی مختوم به [e] (واکه پیشین نیم‌افراشته) در فارسی محاوره‌ای، باعث تبدیل [e] به [a] (واکه پیشین افتاده) می‌گردد. یکی از این واژه‌بست‌ها، حرف نشانه [-ro] است که در فارسی رسمی به صورت [-ra] تلفظ می‌شود. تلفظ این واژه‌بست، پس از کلمات مختوم به همخوان، [-o] است. این پی‌بست معمولاً به عنوان «نشانه مفعول صریح معرفه» کاربرد دارد و از نظر کلامی، به عنوان «نشانه مبتدا» نیز به کار می‌رود (دبیرمقدم، 1384).

گروه دیگری از واژه‌بست‌ها که باعث ظهور این فرآیند می‌شوند، «پی‌بست‌های ضمیری» هستند.¹ این پی‌بست‌ها در صورتی که پس از کلمه مختوم به واکه بیابند، واکه ابتدایی آنها حذف می‌شود. تلفظ همه این پی‌بست‌ها به استثنای پی‌بست ضمیری اول‌شخص مفرد، با تلفظ آنها در فارسی رسمی متفاوت است. وضعیت تلفظ این پی‌بست‌ها را در فارسی رسمی و فارسی محاوره‌ای در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

پی‌بست‌های ضمیری

فارسی محاوره‌ای	فارسی رسمی	
«-م» [-am]	«-م» [-am]	اول‌شخص مفرد
«-ت» [-et]	«-ت» [-at]	دوم‌شخص مفرد
«-ش» [-eʃ]	«-ش» [-aʃ]	سوم‌شخص مفرد
«-مون» [-emun]	«-مان» [-eman]	اول‌شخص جمع
«-تون» [-etun]	«-تان» [-etan]	دوم‌شخص جمع
«-شون» [-eʃun]	«-شان» [-eʃan]	سوم‌شخص جمع

1. برای دستیابی به شرح مفصل نقش‌ها و رفتار نحوی و صرفی این پی‌بست‌ها، به مقاله راسخ‌مهند (1388) مراجعه کنید.

به عنوان مثال، کلمه‌ای مثل [χune] (خونه) هنگامی که قبل از این واژه‌بست‌ها قرار گیرد، تبدیل به [χuna] می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

(1) حیاط خونه‌رُ دیدی؟ [hajate χunaro didi]

(2) خونه‌ش خیلی قشنگه. [χuna] χejli Gašanje]

(3) خونه‌مونُ فروختیم. [χunamuno furuχtim]

مسئله‌ای که با توجه به این فرآیند مطرح می‌شود، آن است که آیا باید صورت زیرساختی کلماتی را که تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرند، مختوم به [a] در نظر بگیریم، یا اینکه باید قاعده‌ای برای نحوه تأثیرگذاری واژه‌بست‌هایی که ذکر شد، بر کلماتی که پیش از آنها قرار گرفته‌اند، ارائه دهیم. در ادامه مقاله، به توصیف و تبیین این فرآیند می‌پردازیم.

2. بافت عملکرد فرآیند تبدیل

در ابتدا باید به این نکته توجه داشت که در عملکرد این فرآیند، تفاوتی میان واژه‌های اصیل و قرضی نیست. همچنین نمی‌توان این پدیده را به سابقه تاریخی کلمات مختوم به [e] نسبت داد و آن را چنین توجیه کرد که زیرساخت تاریخی این کلمات، مختوم به [a] است، زیرا حتی کلماتی که در گذشته، مختوم به [a] بوده‌اند، نیز تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرند.¹ به عنوان مثال، کلماتی مانند «کوپه» [cupe] (که از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است)، «ضایع» [zaye] (که مأخوذ از زبان عربی است و در فارسی رسمی، همراه با بست

1. ظاهراً در گویش تهرانی، تنها کلمات تک‌هجایی مثل «ه» می‌توانند مختوم به [a] باشند و هیچ کلمه چندهجایی مختوم به [a] در این گویش وجود ندارد. حتی کلمات چندهجایی جدیدی که وارد این گویش می‌شوند، در صورتی که مختوم به [a] باشند، گویش‌وران آنها را مختوم به [e] تلفظ می‌کنند. جالب اینکه در بسیاری از گویش‌ها مثل گویش تاجیکی، افغانی و نیز برخی گویش‌هایی که در ایران صحبت می‌شود، عکس این مسئله صادق است. مثلاً در گویش لری خرم‌آبادی، فقط کلمات تک‌هجایی می‌توانند مختوم به [e] باشند و اساساً هیچ کلمه چندهجایی مختوم به [e] در این گویش وجود ندارد. حتی اگر کلمه چندهجایی مختوم به [e] وارد این گویش شود، اهالی این گویش آن را مختوم به [a] تلفظ می‌کنند. به عبارت دیگر، نه تنها کلماتی که از لحاظ تاریخی، مختوم به [a] هستند، بلکه حتی کلمات قرضی و جدید هم که به [e] ختم می‌شوند، لزوماً باید مختوم به [a] تلفظ شوند. بنابراین تبدیل [e] به [a] درباره تمام کلمات اعمال می‌شود و اساساً به بافت خاصی هم مشروط نیست.

چاکنایی [zayeʔ] تلفظ می‌شود، و «نوشابه» [nuʃabe] (که در یک قرن اخیر ساخته شده است) هیچ‌کدام از این فرآیند، مستثنی نیستند. عملکرد فرآیند تبدیل را بر هر یک از این کلمات در جملات زیر مشاهده می‌کنیم:

(4) این کوپه‌ر باید تمیز کنن. [ʔin cuparo bajad tamiz conan]

(5) قیافه ضایش ببین! [Gijafeje zaʃaʃo bebin]

(6) نوشابه‌ر اینجوری نمی‌خورن. [nuʃabaro ʔindʒuri nemiχoran]

علاوه بر این، در صورتی که واژه‌بست [-ro] پس از واژه‌بست معرفه‌ساز [-e] (عبدالملکی، 1385) قرار گیرد، واژه‌بست معرفه‌ساز به [-a] تبدیل می‌شود¹:

(7) کتابه‌ر هنوز نخونده‌ام. [cetabaro hanuz naχun'dam]

تکواژهای دیگری که تحت تأثیر عملکرد این فرآیند قرار می‌گیرد، پی‌بست فعلی سوم شخص مفرد [-e] (شقایق، 1376) و نشانه نمود کامل فعل [-e] هستند. پی‌بست فعلی [-e] (به معنی «بودن») پیش از پی‌بست [-ro]² تبدیل به [a] می‌شود. نشانه نمود کامل فعل هم پس از واژه‌بست [-ro] و نیز پی‌بست‌های ضمیری، تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرد. تغییر تلفظ این تکواژها را در مثال‌های زیر مشاهده می‌کنید:

(8) او نی که ساده‌تره‌ر انتخاب کن. [ʔuni ce sadetararo ʔenteχab con]

(9) کی برده‌شون؟ [ci bordaʃun] (چه کسی آنها را برده است؟)

این فرآیند در مورد اسامی خاص مثل «فاطمه» [fateme]، «عطیه» [ʔatije] و «بهاره» [bahare] که شاید از لحاظ کلامی، گرایش به ثبات تلفظ آنها وجود داشته باشد، نیز اعمال می‌شود:

(10) عطیه‌ر ندیدی؟ [ʔatijaro nadidi]

(11) دیروز، فاطمه‌شون دیدم. [diruz fatemaʃuno didam]

1. پی‌بست‌های ضمیری هیچ‌گاه پس از واژه‌بست معرفه‌ساز به کار نمی‌روند و بنابراین نمی‌توان چنین بافتی را به عنوان یکی از بافت‌های عملکرد این فرآیند بررسی کرد.
2. پی‌بست‌های ضمیری در این بافت نیز هیچ‌گاه به کار نمی‌روند.

اسامی خاص خارجی مثل «نیچه» [nitʃe] و «کلکته» [calcate] هم تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرند:

(12) من نیچه‌رُ قبول ندارم. [man nitʃaro Gabul nadaram]

(13) کلکته‌رُ باید ببینی. [calcataro bajad bebini]

حتی در صورتی که کلمه‌ای، به صورت فرازبانی، مثلاً به شکل نقل قول به کار رود، باز هم این فرآیند بر آن عمل می‌کند. در مثال‌های زیر، اعمال این فرآیند را بر کلمات «باشه» [baʃe] و «آره» [ʔare] می‌بینیم:

(14) «باشه» رُ یه جوری گفت. [baʃaro je dʒuri ʒoft]

(15) این «آره» ت از صدتا فحش بدتره. [ʔin ʔarat ʔaz sadta fohʃ badtare]

3. تبیین صرفی و واجی فرآیند تبدیل

چنانکه پیش‌تر گفتیم، نمی‌توان بروز این پدیده را به زیرساخت تاریخی کلماتِ مختوم به [e] نسبت داد، زیرا این فرآیند روی کلمات قرضی و جدید هم عمل می‌کند. البته بیشتر کلماتی که در فارسی امروز، مختوم به [e] هستند، در گذشته مختوم به [a] بوده‌اند؛ اما به هر حال، ورود واژه‌های جدید مختوم به [e] که تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرند، باعث رد چنین فرضیه‌ای می‌شود.

از سوی دیگر، چنانچه صرفنظر از سابقه تاریخی این کلمات، بخواهیم زیرساخت آنها را مختوم به [a] در نظر بگیریم، مشکلاتی در تبیین داده‌ها به وجود خواهد آمد. چنین فرضی کاملاً برخلاف اصل «هر جای دیگر» (Elsewhere Condition) که برای تعیین زیرساخت به کار می‌رود، خواهد بود (Gussenhoven & Jacobs, 2005: 85)، زیرا [a] جز بافت‌هایی که قبلاً ذکر شد، در هیچ بافت دیگری ظاهر نمی‌شود. به عبارت دیگر، صورت آوایی این کلمات در ترکیب‌ها و نیز پیش از وندهای تصریفی، وندهای اشتقاقی و سایر واژه‌بست‌ها کماکان مختوم به [e] باقی می‌ماند.

عدم تأثیرگذاری این فرآیند را پیش از وندهای تصریفی در این مثال‌ها می‌بینیم: «خونه‌ها»

[xuneha]، کوبه‌ها [cupeha]، «آهسته‌تر» [ʔahestetar]، «ساده‌ترین» [sadetarin].

این فرآیند پیش از وندهای اشتقاقی نیز عمل نمی‌کند: «خونگی» [χuneʒi]، «لاله‌زار» [lalezar]، «حیله‌گر» [hileʒar]، «تکیه‌گاه» [tecijeʒah]، «بهره‌مند» [bahremand].

عدم اعمال این فرآیند را پیش از سایر واژه‌بست‌ها در این مثال‌ها مشاهده می‌کنیم:

(16) خونه‌ای؟ [χuneʔi] (به معنی «در خانه هستی؟»)

(17) اینجا نامه‌ای ندیدم. [ʔindZa nameʔi nadidam]

(18) از بس ساده‌ایم. [ʔaz bas sadeʔim]

در کلمات مرکب هم این فرآیند عمل نمی‌کند: خونه‌نشین [χuneneʃin]، «واژه‌پرداز» [vaZepardaz]، «پاره‌پوره» [parepure]، «ساده‌لوح» [sadeloh].

بنابراین راه اقتصادی‌تر آن است که صورت آوایی و واجی این کلمات را یکسان در نظر بگیریم. با توجه به این فرض، فرآیند تبدیل [e] به [a] از لحاظ صرفی، مشروط به حضور واژه‌بست [-ro] یا پی‌بست‌های ضمیری است. از سوی دیگر، این فرآیند تنها در مورد کلمات چندهجایی¹ عمل می‌کند. به عبارت دیگر، تنها مورد استثنا برای این فرآیند، کلمات تک‌هجایی هستند که تلفظ آنها در بافت‌هایی که ذکر شد، تغییر نمی‌کند. البته تعداد واژه‌های تک‌هجایی مختوم به [e] در زبان فارسی، بسیار اندک است. در مثال‌های زیر، عدم تأثیرگذاری فرآیند تبدیل را بر این کلمات می‌بینیم:

(19) جلد سه‌رُ به‌م بده. [dʒelde sero bəm bede]

(20) فصل سه‌ش خیلی سخته. [fasle seʃ χejli saxte]

(21) باید به‌شون بگیم. [bajad beʃun beʒim]

(22) مگه ما چه‌مونه؟ [maʒe ma tʃemuneʔ]

(23) گزینه‌جُ زدی؟ [ʒozineʒe dʒero zadi]

(24) باید گزینه‌بِش می‌زدی. [bajad ʒozineʒe beʃo mizadi]

با توجه به مثال‌های فوق، نتیجه می‌گیریم که بهترین راه برای تبیین فرآیند تبدیل [e] به [a]، آن است که آن را، هم از لحاظ صرفی و هم از لحاظ واجی، مشروط بدانیم. برای

1. منظور از کلمه، «کلمه واجی» است که هم شامل کلمات بسیط می‌شود و هم کلماتی که دارای تکواژ وابسته هستند.

عملکرد فرآیند، از لحاظ صرفی، وجود واژه‌بست [-ro] یا پی‌بست‌های ضمیری، ضروری است. از لحاظ واجی نیز کلماتی که پیش از این واژه‌بست‌ها می‌آیند، باید چندهجایی باشند.

4. نتیجه‌گیری

در این مقاله، پس از بررسی فرآیند تبدیل [e] به [a] پیش از واژه‌بست [-ro] و پی‌بست‌های ضمیری و توصیف بافت عملکرد این فرآیند، به تبیین صرفی و واجی آن پرداختیم. ابتدا نشان دادیم که نمی‌توان زیرساخت کلماتی را که تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرند، چه به صورت تاریخی و چه به صورت همزمانی، مختوم به [a] دانست.

به این ترتیب، صورت واجی کلمات را همانند صورت آوایی آنها در نظر می‌گیریم. لذا باید گفت که این فرآیند از لحاظ صرفی، مشروط به حضور واژه‌بست [-ro] یا پی‌بست‌های ضمیری است. از سوی دیگر، چون این فرآیند در مورد کلمات تک‌هجایی عمل نمی‌کند، از لحاظ واجی نیز مشروط به حضور کلمات چندهجایی است. پس این فرآیند، یک فرآیند مشروط صرفی-واجی محسوب می‌شود.

منابع

- دبیرمقدم، محمد، 1384، «پیرامون را در زبان فارسی»، در پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)، ص 83-148، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- راسخ‌مهند، محمد، 1388، الف، «پی‌بست‌های ضمیری»، در گفتارهایی در نحو، ص 15-43، تهران: نشر مرکز.
- شقاقی، ویدا، 1376، «واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟»، مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، ص 141-157، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبدالملکی، حسین، 1385، «واژه‌بست /-e/ تصغیر و معرفه در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ش 41 و 42، ص 97-104.

Gussenhoven C. & H. Jacobs (2005), *Understanding Phonology*, 2nd edition, London: Hodder Arnold.